### جلسه 19

چهار‌‌شنبه - 27/11/۹۵

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث در قمار بود. رسیدیم به فرض دوم که لعب به آلات قمار هست بدون بردوباخت.

مرحوم شیخ در اطلاق ادله حرمت لعب به آلات قمار نسبت به لعب بدون رهان کردند. و لکن به روایات خاصه ای استدلال کردند. از جمله روایت ابی الربیع شامی که در روایت ابوالربیع شامی بود: الشطرنج و النرد لاتقربوهما.

که ما عرض کردیم کسی که در اطلاقات دیگر مناقشه می کند، می گوید انصراف دارد به فرض متعارف که بردوباخت هست در بازی با آلات قمار، وجهی ندارد در این روایت ابی الربیع شامی مناقشه نکند. چه فرق است بین این روایت و بقیه اطلاقات؟‌

علاوه بر اینکه این روایت سندا اشکال دارد. ما در جلسه قبل تلاش کردیم ابوالربیع شامی را از طریقی توثیق کنیم که مرحوم شیخ حر عاملی در امل الآمل این طریق را پیموده است که شیخ صدوق در اول فقیه می گوید من احادیثی که نقل می کنم در این کتاب از کتب مشهوره استخراج شده که علیها المعول و الیه المرجع و یکی از کسانی که احادیث را از او نقل می کند، همان ابوالربیع شامی هست،‌طبق سندی که در مشیخه فقیه ذکر کرده. و لکن اشکال مطلب این است ما احراز نکردیم که صدوق از کتاب ابوالربیع شامی این احادیث را نقل کرده. چون در مشیخه می گوید:‌ و ما کان فیه عن ابی الربیع الشامی فقد رویته.. در سند، سعد بن عبدالله هست و حسن بن علی بن رباط هست که ممکن هست مرحوم صدوق روایات ابوالربیع الشامی را از کتاب این دو نفر نقل بکند نه از کتاب خود ابوالربیع الشامی. و لذا منافات ندارد با شهادت اول من لایحضره الفقیه که گفته است احادیثی را که من در این کتاب نقل می کنم مستخرج است از کتب مشهوره التی علیها المعول و الیها المرجع. چون ثابت نیست که ایشان از کتاب ابوالربیع الشامی این احادیث را نقل کرده باشد. سند ایشان به ابوالربیع الشامی این است: و ما کان فیه عن ابی الربیع الشامی فقد رویته عن ابی عن سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن حکم بن مسکین عن الحسن بن ارباط عن ابی الربیع الشامی. هم سعد بن عبدالله صاحب کتاب است، هم محمد بن الحسین بن ابی الخطاب صاحب کتاب است، هم ظاهرا حسن بن رباط صاحب کتاب است. شاید این احادیث ابی الربیع شامی را از کتاب اینها نقل کرده است نه از کتاب خود ابی الربیع شامی. و لذا ما راهی برای توثیق ابی الربیع الشامی پیدا نکردیم.

س: بدأ سند به ابوالربیع شامی در کتاب من لایحضره الفقیه دلیل نمی شود که از کتاب ابوالربیع الشامی نقل کرده است فقیه. شیخ طوسی در تهذیب شهادت داده، گفته من بدأ سند می کنم به صاحب کتاب، از هر کتابی نقل کنم بدأ سند می کنم به او اما صدوق همچون شهادتی نداده. ... منافات ندارد،‌طریقش را ذکر می کند و لو از کتاب یکی از این افراد که در طریق واقع شده اند این احادیث را نقل کرده باشد. اینکه مشکلی ندارد.

مرحوم شیخ برای حرمت لعب به آلات قمار بدون بردوباخت استدلال هم کرده به روایت تحف العقول: انما حرم الله الصناعة التی هی حرام کلها التی یجیء منها الفساد محضا نظیر البرابط و المزامیر و الشطرنج و کل ملهو به و ما یکون منه و فیه الفساد محضا فحرام تعلیمه و تعلمه و العمل به و اخذ الاجر علیه و جمیع التقلب فیه. که در این روایت شطرنج را ما یجیء منه الفساد محضا ذکر کرده است و جمیع تصرف در آن را حرام دانسته است.

جواب این است که اولا این مختص است به شطرنج. احتمال خصوصیت در شطرنج می دهیم که لعب به شطرنج مطلقا حرام باشد کما علیه جمع من الفقهاء.

ثانیا: فرض کرد در این روایت که ما یکون منه الفساد محضا، هیچ صلاحی در او نباشد، فساد محض باشد، و هذا اول الکلام که لعب به غیر رهان، لعب به غیر بردوباخت با آلات قمار مصداق باشد برای ما یجیء منه الفساد محضا. آلات قمار ما یجیء منه الفساد محضا باشد، هذا اول الکلام. چون اگر می شود با او بدون بردوباخت مالی بازی حلال کرد چرا ما یجیء منه الفساد محضا باشد؟

ثاثا: سند این روایت ضعیف است. تحف العقول سند ندارد. خود مؤلف کتاب را شیخ حر عاملی در تذکرة المتبحرین توثیق کرده است که جزء متاخرین است شیخ حر. توثیقش اگر مفید باشد، تازه صاحب کتاب توثیق می شود اما این کتاب سند ندارد، مشتمل بر مراسیل است. و این که در اول کتاب گفته که فاقبلوا ما رواه الثقات عن الائمة السادات علیهم السلام ما این را عرض کردیم که ظهور در توثیق جمیع روایات تحف العقول ندارد؛‌ بلکه یک نصحیت کلی است که می گوید ای شیعیان! مانند عامه نباشید که شنیدند سخنان ائمه را و پشت گوش انداختند، شما آنچه را که ثقات از سادات نقل می کنند بشنوید و عمل کنید،‌اما هر آنچه در این کتاب می گویم از ثقات است؟ هذا اول الکلام.

روایت دیگر که شیخ به آن استدلال کرده روایت ابی الجارود است که می گوید:‌ اما المیسر فالنرد و الشطرنج و کل قمار میسر و کل هذا بیعه و شرائه و الانتفاع بشیء منه حرام محرم.

بعد ایشان فرموده است که ببینید! این روایت کل انتفاع به میسر را که آلت قمار است تحریم کرده است و روشن است که مراد از میسر در اینجا آلات قمار است نه لعب. چون می گوید بیعه،‌شرائه. بیع چه چیزی؟ شراء چه چیزی؟ غیر از آلات قمار؟ خود بازی با‌ آلات قمار که قابل بیع و شراء نیست. بیع آلات قمار، شراء آلات قمار و الانتقاع بشیء منه حرام محرم. انصافا دلالتش تمام است.

فقط اشکال ما به مرحوم شیخ این است که سند این تفسیر قمی ضعیف است به این بیان که ابی الجارود که در تفسیر قمی ذکر می شود جزء تفسیر نیست. ابی الجارود کسی نیست که علی بن ابراهیم قمی از او نقل کند؛ ‌طبقه اش به علی بن ابراهیم قمی نمی خورد. به این معنا که در تفسیر قمی هر کجا از ابی الجارود نقل کرد بعدش گفت رجع الی تفسیر علی بن ابراهیم. معلوم می شود که این کلام ابی الجارود در کتاب تفسیرش یک کلام مستقلی است که دیگران داخل کردند در تفسیر قمی.

بله، تفسیر ابی الجارود یک تفسیر مستقلی است،‌ما اگر سندش تمام بود مشکلی نداشتیم و لکن ابی الجارود رئیس فرقه زیدیه جارودیه هیچ توثیقی ندارد. فقط شیخ مفید در رساله عددیه گفته است که برخی از فقهاء اعلام بودند که حلال و حرام را از آنها اخذ می کردند مؤمنین، بعد افرادی را نام برده. که ما بارها عرض کردیم که قرائنی هست در رساله عددیه که این شهادت شیخ مفید شهادت من حیث المجموع است، یعنی مجموع این افراد در بین شان فقهاء اعلام هست. و الا مگر محتمل است،‌ابی الجارود رئیس یک فرقه ضاله مضله جزء الفقهاء الاعلام الماخوذ منهم الحلال و الحرام الذین لایطعن علیهم بشیء باشد؟ این محتمل است؟ ابی الجارود رهبر گروه منحرف زیدیه جارودیه بشود الذین لایطعن علیهم بشیء؟ این محتمل نیست. و لذا این تعبیر ظهوری در توثیق جمیع افرادی که نام برده شدند ندارد. مجموع من حیث المجموع رواتی را می گوید که در بین شان افرادی بودند که این وصف را داشتند و روایاتی که می گوید ماه رمضان گاهی بیست و نه روز است گاهی سی روز اینها نقل کردند.

روایت دیگر که شیخ به آن استدلال کرده روایتی است که از امیرالمؤمنین نقل شده: کل ما الهی عن ذکر الله فهو من المیسر.

بعد در کنارش موثقه زراره هم ذکر کرده که: سئل علیه السلام عن الشطرنج و لعبة الشبیب التی یقال لها لعبة الامیر و اللعبة الثلاث فقال أرأیتک اذا میز الله بین الحق و الباطل مع أیّهما تکون؟ قلت مع الباطل قال فلاخیر فیه.

این هم دلیل شده بر حرمت لعب بدون رهان با آلات قمار.

انصافا این هم ناتمام است.

س: ما نمی دانیم؛ یکی از آلات قمار بوده در آن زمان.

راجع به روایت کل ما الهی عن ذکر الله فهو من المیسر غیر از ضعف سند که امالی پسر شیخ طوسی نقل می کند با سند ضعیف، قطعا باید حمل بشود بر کراهت. مگر می شود ملتزم شد به حرمت ما الهی عن ذکر الله مطلقا؟ خیلی از امور دنیویه مباح بلکه مستحب مصداق ما الهی عن ذکر الله است. همبستر شدن با همسر اگر مصداق ما الهی عن ذکر الله نیست که در روایت به عنوان لهو المؤمن شمرده است پس چه چیزی مصداق ما الهی عن ذکر الله است؟‌ در عین حال مستحب هم هست. خود قرآن می گوید انما الحیوة الدنیا لعب و لهو. ما الهی عن ذکر الله فهو من المیسر، مگر هر چیزی که ملهی عن ذکر الله باشد حرام است؟

س: تخصیص مستهجن نباید بزنید. تخصیص اکثر نباید بزنید.

و اما موثقه زراره: آقا! بله، اینها باطل هستند، مگر هر باطلی حرام است؟‌ لاخیر فیه،‌ لاخیر فی کثیر من نجواهم،‌خب حالا چی؟ حرام است؟ دلیل نمی شود که حرام باشد. باطل عرفی که حرام نیست؛ باطل شرعی حرام است و این ظاهر است که باطل عرفی را می گوید و دلیل بر حرمت باطل عرفی ما نداریم.

و لذا مثل مرحوم آقای خوانساری در جامع المدارک اشکال کردند؛ گفتند ما دلیلی بر حرمت لعب بدون بردوباخت با آلات قمار پیدا نکردیم. انصراف مرحوم شیخ را در اطلاقات پذیرفتند، این روایت مرحوم شیخ را هم مناقشه کردند.

البته یک سری مناقشات ایشان به نظر ما ناتمام است. مثلا در روایت ابی الجارود ایشان گفته که روایت ابی الجارود که می گفت و اما المیسر فالنرد و الشطرنج و کل قمار میسر و کل هذا بیعه و شرائه حرام، ایشان گفتند خب این روایت که می گوید بیع و شرائش حرام است چه ربطی به لعب بدون رهان دارد؟ آقا! ذیل روایت که می گفت و کل انتفاع منه حرام محرم. این اشکال وارد نیست که بگویید مختص است این روایت به بیع و شراء آن. نخیر روایت می گوید انتفاع به آن هم حرام است. بله،‌اشکال سندی اگر می کردید حرفی نبود.

ایشان در جامع المدارک فرمودند محصل فرمایش شان این است که حرمت لعب بدون بردوباخت با آلات قمار محل مناقشه است. ولی اینکه از ایشان معروف شده که ایشان شطرنج را بدون بردوباخت حلال می دانند، نه،‌اینطور نیست. صریحا در جلد ششم جامع المدارک فرموده است که کسی که بازی بکند با شطرنج فاسق است و اللعب بالشطرنج ترد به الشهادة؛ عادل نیست. این را صریحا در جلد ششم جامع المدارک صفحه 105 بیان کردند.

س: مطلق است. و اللعب بالشطرنج ترد الشهادة، نگفت و اللعب بالشطرنج مع الرهان.

اینکه در جلد 3 اشکال کردند در مطلق لعب بدون بردوباخت با آلات قمار مناقشه کردند و این مناقشه اختصاص به ایشان ندارد. در بین معاصرین حاج آقای وحید احتیاط واجب کردند در حرمت لعب بدون بروباخت با آلات قمار بعد هم گفتند و یتأکد الاحتیاط در مورد شطرنج و نرد و اربعة‌عشر. چون در معتبره معمر بن خلاد ذکر شده بود که الشطرنج و النرد و الاربعة‌عشر بمنزلة واحدة‌ و کل ما قومر علیه فهو میسر. ایشان البته استظهار نکردند که خصوصیت داشته باشد شطرنج یا نرد و لذا فتوی ندادند به حرمت شطرنج بدون رهان؛ بطور کلی گفتند احتیاط واجب ترک بازی با آلات قمار است بدون بردوباخت مالی و این احتیاط واجب در شطرنج و نرد و اربعة‌عشر متأکد است.

آقای سیستانی در غیر نرد و شطرنج احتیاط واجب می کند بازی بدون بردوباخت با آلات قمار. اما در مورد نرد و شطرنج می گوید نه، و لو بدون بردوباخت باشد، حرام است چون نص خاص داریم. در مورد نرد و شطرنج نص خاص داریم. و لکن در استفتائات گفتند حرمت لعب به شطرنج و نرد و لو بدون رهان تا موقعی است که احراز نکنیم شطرنج و نرد از آلیت قمار در کل دنیا خارج شده اما اگر یک روزی احراز بکنیم،‌ایشان می گوید الان محرز نیست،‌الان استصحاب آلیت قمار دارد،‌اگر احراز کنیم یک روزی در کل دنیا نرد و شطرنج از آلیت قمار خارج شده آن وقت جایز می شود بازی بدون بردوباخت با اینها.

و لذا ما دو مرحله اینجا باید بحث کنیم. یک مرحله وجهی ندارد به نظر مان این احتیاط ها. ظاهر ادله این است که لعب به آلات قمار و لو بدون رهان حرام است. اطلاق دارد ادله. اجتنبوا المیسر، اجتناب کنید از میسر و میسر هم در روایات تفسیر شد به کل ما قومر علیه. اجتنبوا عن آلات القمار، اثر ظاهر آلات قمار لعب به آن است مطلقا چه با بردوباخت چه بدون بردوباخت. و در موثقه سکونی تصریح شده که لعب به نرد و شطرنج حرام است. خب این اطلاق دارد چه لعب مع الرهان چه لعب بدون رهان.

و لذا به نظر ما وجهی در مناقشه در ادله حرمت لعب به آلات قمار نیست؛‌ شامل لعب بدون رهان می شود.

یک اشکالی هست اینجا. اجازه بدهید توضیح بدهم. ما در مورد آلات لهو گفتیم ممکن است جزما یا احتمالا قائل به انصراف بشویم بگوییم انهاکم عن المزمار منصرف است به ضرب لهوی مزمار؛ به تناسب آن چهار مورد: المزمار، الکوبات،‌الکبرات الزفن که اینها لهوی بودند. اشکالی که به ما می شود در اینجا که لم لایقال بمثله فی المقام؟ نهی از آلات قمار هم قدرمتیقنش نهی از لعب قماری است؛ نهی از لعب بردوباختی است با آلات قمار. بیش از این ظهور ندارد.

ولی اشکال درست نیست. برای اینکه ظاهر نهی این است که به اثر ظاهر تعلق می گیرد. اثر ظاهر در آلات قمار لعب به آن است. اگر الان مولی به عبدش بگوید اجتناب کن از آلات قمار،دوری کن از آلات قمار، بعد این هر شب می آید با دوستانش برای تفریح آلات قمار را می آورد بدون بردوباخت، عقلاء معذور می دانند این شخص را؟‌ می گوید مولی به من گفت اجتناب کن از آلات قمار قدرمتقنش لعب قماری است؟ عقلاء نمی پذیرند؛ عقلاء می گوید اطلاق دارد. مخصوصا آن روایاتی که لعب در آن ذکر شده. نهی می کند از لعب بالشطرنج و النرد. نهی از لعب می کند. لعب مطلقا چه لعب مع الرهان چه لعب بدون رهان.

#### نرد وشطرنج

اما راجع به نرد و شطرنج: این بحث مهمی است.

مهم در بحث در نرد و شطرنج این است که تا احراز نکنیم خروجش را از آلیت قمار، شکی نیست در حرمت آن. حالا البته مثل حاج آقای وحید احتیاط واجب کردند اگر بدون بردوباخت مالی باشد لعب به نرد و شطرنج فرمودند فتوی به حرمت نمی دهیم احتیاط واجب مؤکد می کنیم. ولی به نظر ما لاینبغی الاشکال. مخصوصا که دلیل خاص دارد نهی از لعب به نرد و شطرنج. تا احراز نشود خروجش از آلیت قمار استصحاب می کنیم هنوز آلت قمار است و اثبات می شود حرمت لعب به آن و لو بدون بردوباخت.

بعضی از آقایان دیدم گفتند و دون اثباته خرط القتاة،‌اثبات اینکه خارج شده شطرنج از آلیت قمار، این اصعب است و اشد است از خرط القتاة. یعنی واقعا احراز کنیم که امروز دیگر شطرنج را آلة القمار نمی دانند. مخصوصا با آن سابقه ذهنی.

یک نکته ای عرض کنم. این سابقه های ذهنی در نظر عرف مؤثر است. الان شما می روید به یک شهری که یک روستایی به آن وصل شده. هنوز هم مردم می گوید شهر کذا،‌روستای کذا با اینکه شهرداری آنجا قانون شهر را پیاده می کند اما عرف می گوید روستانی فلان. شهر کوفه با اینکه وصل به نجف است،‌اصلا هیچ انسان احساس نمی کند وارد شهر دیگری می شود. شهر ری انسان احساس نمی کند از تهران به شهر دیگری می رود. و لذا بعضی ها ممکن است در ذهن شان بیاید یک شهر شده است. نخیر. آن سابقه ذهنی عرف تاثیر می گذارد که هنوز عرف بگوید اینها دو شهر هستند،‌به هم وصل شدند. برخی از شهرهای شمال به هم وصل شدند اما دو شهر هستند. سابقه ذهنی این را باعث می شود. اما شما این پردیسان قم را بگویید، فاصله دارد از قم ولی چون جدید الاحداث است، عنوان مستقلی در برابر قم ندارد به نظر ما عرف می گوید جزء شهر قم است. کجا زندگی می کنید؟ در قم. حالا ریز بشود بگوید در منطقه پردیسان؟ نه، این لزومی ندارد، عرف می گوید ایشان در شهر قم زندگی می کند. وقتی از پردیسان خارج شد می گوید از قم خارج شدیم.

س: شهر ری بخاطر آن سبق ذهنی،‌آن تاریخ کهن، هنوز هم این عرف را مانع می شود از اینکه بگوید جزء شهر تهران شده است. ... اینکه نمی گوید من بچه شهر ری هستم،‌بچه تهرانم این می خواهد کلاس بگذارد.

و لذا سابقه ذهنی شطرنج که حالت قمار است تاثیر می گذارد که هنوز هم عرف بگوید آلت قمار است. ولی اگ یک روزی احراز کردیم آلت قمار نیست باید بحث کنیم که آیا نرد و شطرنج موضوعیت دارد یا نه دیگه بما هما آلة القمار نهی شده بود از آنها.

مرحوم آقای خوئی در استفتائات فرموده شطرنج و نرد موضوعیت دارد. در صراط النجاة تصریح می کند، می گوید به نظر ما، اذا خرجت الآلة المعدة للقمار کالنرد و الشطرنج عن کونها آلة بان تصیر مثلا من آلات الریاضة فهل یجوز حین ذاک اللعب بدون رهان؟ الخوئی: لایجوز مطلقا. التبریزی اذا خرج عن کونه آلة قمار بحیث لایقامر به اصلا و لو فی بلد ما فلابأس باللعب به بلارهان. مرحوم آقای تبریزی بر خلاف نظر استدلالی شان در ارشاد الطالب که صریحا فرمودند نرد و شطرنج لعب به آنها تعبدا حرام است مطلقا. در ارشاد الطالب جلد 1 صفحه 222. ولی در فتوای فقهی شان مثل امام فتوی دادند. آقای سیستانی هم همینطور مثل امام و آقای تبریزی فتوی دادند. گفتند اگر یک روزی شطرنج از آلیت قمار بالمرة خارج بشود در همه جای دنیا و این را احراز کنیم،‌بازی با شطرنج و نرد جایز می شود ولی تا احراز نکردیم همه شان می گویند هم امام فرمودند،‌هم آقای تبریزی فرمودند، هم آقای سیستانی فرمودند استصحاب آلیت قمار جاری است.

س: ظاهر فرمایش امام این است که همه جای دنیا را بطور متعارف می گویند. ... حالا راجع به اینکه خود این را بحث کنیم، واقعا یک مسئله ای است. این را اجازه بدهید بعدا بحث کنیم. که آقای سیستانی در بقیه آلات قمار می گویند معیار بلد مکلف است. بیلیارد در شهر خودت ببین آلت قمار هست یا نیست؛‌ کار نداشته باش به استامبول. اگر آلت قمار نیست در شهر خودت بازی بدون بردوباخت با آن حلال است. در شطرنج می گویند نه، کل دنیا باید حساب بشود از آلیت قمار خارج بشود. اگر روایت خاص دارد موضوعیت دارد مثل آقای خوئی بگویید نرد و شطرنج مطلقا حرام است و لو از آلیت قمار خارج شده باشد و اگر طریقت دارد برای مثال به آلت قمار پس چه فرق می کند با بقیه آلات قمار؟ این یک شبهه ای است که بعدا بحث می کنیم. اما فعلا اصل کبرای این بحث را که آیا نرد و شطرنج موضوعیت دارد برای حرمت لعب و لو آلت قمار نباشد یا از باب مثالیت برای آلات قمار است؟

برخی گفته اند که این مثال آلیت قمار نیست. روایات نرد و شطرنج روایات غلاظ و شداد است؛ احتمال خصوصیت ما می دهیم. سئل عن الشطرنج، معتبره مسعدة بن زیاد،‌فقال دعوا المجوسیة لاهلها لعنها الله. موثقه سکونی: نهی رسول الله عن اللعب بالشطرنج و النرد. معتبره حماد: انی اقعد مع قوم یلعبون بالشطرنج و لست العب بها و لکن انظر فقال ما لک و لمجلس لاینظر الله الی اهله. مستطرفات سرائر، دقت کنید این روایت را هم بخوانم! از جامع بزنطی نقل می کند که ما به نظرمان صحیح است نقل سرائر از جامع بزنطی چون اصالة الحس می گوید که مثل شیخ طوسی که نقل می کرد از جوامع روائیه، ابن ادریس هم از جوامع روائیه نقل می کند و اصالة الحس جاری می شود چون شاید جزء کتب مشهوره بوده.

س: جامع بزنطی مشکل ندارد.

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال بیع الشطرنج حرم اکل ثمنه سحت و اتخاذها کفر و اللعب بها شرک و السلام علی اللاهی بها معصیة،‌سلام هم ندهید به کسی که لعب به شطرنج می کند و کبیرة موبقة و الخائض ‌فیها یده،‌دست کسی بزند به شطرنج کالخائض فی لحم الخنزیر لاصلاة له حتی یغسل یده کما یغسلها من مس لحم الخنزیر و الناظر الیها کالناظر فی فرج امه و اللاهی بها و الناظر الیها فی حال ما یلهی بها و السلام علی اللاهی بها فی حالته تلک فی الاثم سواء،‌کسی که با شطرنج بازی می کند با شمائی که به او نگاه کنید، سلام به او بدهید در گناه مشترکید و من جلس علی اللعب بها فقد تُبوأ مقعده من النار و کان عیشه ذلک حسرة علیه فی القیامة و ایاک و مجالسة اللاهی و المغرور بلعبها فانها من المجالس التی باء اهلها بسخط من الله یتوقعونه فی کل ساعة فیعمک معهم، با آنها بنشینی،‌بازی هم نکنی عذاب نازل بشود شامل تو هم می شود.

گفته می شود که این روایات غلاظ و شداد می شود ما بگوییم یک روزی دیگر لعب به شطرنج حلال است؟ تامل بفرمایید ان شاء الله تا هفته دیگر.